

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره بیست‌ونه

Jeff Pippenger

2026-01-14

شماره بیست و نه

پنجمین نبوت مسیحایی در انجیل متی نشانه‌ راه ناامیدی و مرگ است. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، پیش‌بینی دروغین ویرانی نشویل، ایلیا و موسی را کشت.

پنجمین نشانه‌ راه مسیحایی، ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است

آنگاه آنچه به‌وسیله‌ ارمیا نبی گفته شده بود، تحقق یافت که می‌گوید: «در رامه آوازی شنیده شد، نوحه و گریه و ماتم بسیار؛ راحیل برای فرزندان خود می‌گریست و تسلی نمی‌یافت، زیرا که ایشان نیستند.» متی ۲:۱۷، ۱۸.

پیش‌بینی

خداوند چنین می‌گوید: صدایی در رامه شنیده شد، ناله و گریه تلخ؛ راحیل برای فرزندان خود می‌گریست و برای فرزندانش تسلی نمی‌پذیرفت، زیرا آنان دیگر نبودند. ارمیا ۳۱:۱۵.

موسی و ایلیا در خیابان‌های سدوم و مصر کشته می‌شوند. آخرین عبارت عهد عتیق اعلام می‌کند که ایلیا پیش از روز بزرگ و هولناک خداوند خواهد آمد. آن روز هولناک از زمانی آغاز می‌شود که میکائیل در دانیال دوازده برمی‌خیزد و در مکاشفه بیست‌ودو اعلام می‌کند که «آن‌که عادل است و آن‌که ناعادل است» تا ابد در همان وضعیت باقی خواهند ماند.

و در آن زمان میکائیل، آن سرور بزرگ که برای فرزندان قوم تو ایستاده است، برخواهد خاست؛ و روزگار سختی خواهد بود، چنان‌که از روزی که امتی پدید آمد تا آن زمان نظیرش نبوده است؛ و در آن زمان قوم تو رهایی خواهند یافت، هر کس که نامش در کتاب نوشته شده باشد. دانیال ۱۲:۱.

هر که ظالم است، همچنان ظالم بماند؛ و هر که ناپاک است، همچنان ناپاک بماند؛ و هر که عادل است، همچنان عادل بماند؛ و هر که مقدس است، همچنان مقدس بماند. مکاشفه ۳۲:۱۱.

ایلیا باید پیش از پایان مهلت ظاهر شود، و او در مکاشفه یازده کشته می‌شود و برمی‌خیزد، درست پیش از پایان مهلت. او برمی‌خیزد و پیامش را اعلام می‌کند تا پایان مهلت؛ آنگاه رستاخیز دیگری رخ می‌دهد، از نیکان و بدان.

و بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده‌اند، بیدار خواهند شد: برخی برای حیات جاودان، و برخی برای شرمساری و خوارشماری جاودانی. دانیال ۱۲:۲

پس از آن رستاخیز ویژه، بازگشت دوم مسیح فرا می‌رسد؛ در آن، مردگان عادل برخیزانده می‌شوند و سپس هزار سالی در پیش است که قدیسان بر هلاک‌شدگان داوری می‌کنند. در پایان آن هزار سال، رستاخیز دیگری و سومین آمدن مسیح رخ می‌دهد. رشته رستاخیزهای نبوی رستاخیز وحش پاپی را نیز در بر می‌گیرد، اما هر یک از آن رستاخیزها موضوعی مشخص از کلام نبوی خداست. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، جنبش لاودیکایی یکصد و چهل و چهار هزار با شورش علیه فرمان مسیح که کاربردهای زمانی فراتر از ۱۸۴۴ را ممنوع می‌کند، دست به خودکشی زد.

سپس صدایی در رame شنیده شد؛ یعنی غرور و خودبزرگ بینی. راحیل، به معنای «مسافر خوب»، در سوگ است زیرا موسی و الیاس نیستند و مهم‌تر از آن، نمی‌توان آنان را تسلی داد. آنان تسلی ندارند، و روح‌القدس تسلی‌دهنده است که قرار بود فرستاده شود وقتی که صدایی در بیابان در ژوئیه ۲۰۲۳ به صدا درآمد.

این امور درست پیش از بسته شدن مهلت رخ می‌دهند، و بنا بر مکاشفه، درست پیش از بسته شدن مهلت، مهر مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌شود. همین مهرگشایی است که موسی و ایلیا را زنده می‌سازد، همان راحیل، آن مسافر نیک، که برای فرزندانش می‌گریست و ماتم می‌کرد و تسلی نمی‌یافت. سوگ او هنگامی که آن فرزندان رستخیز می‌یابند به شادی بدل می‌شود.

و او به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا که وقت نزدیک است. مکاشفه ۲۲:۱۰.

موسی و ایلیا در خیابان‌های سدوم و مصر مرده بودند، و همان‌گونه که درباره مسیح بود، آن صد و چهل و چهار هزار نفر می‌بایست از مصر فراخوانده شوند، هنگامی که گردآوری در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد.

ششمین نشانه مسیحایی، دعوت به خروج از مصر در ژوئیه ۲۰۲۳ است.

و تا مرگ هیروودیس در آنجا ماند تا کلامی که خداوند به وسیله نبی گفته بود، به انجام رسد: «از مصر پسر خود را خواندم.» متی ۲:۱۵

پیش بینی

هنگامی که اسرائیل کودک بود، او را دوست داشتم و پسر مرا از مصر فراخواندم. هوشع ۱۱:۱.

مردگان در خیابان مصر، صدایی آسمانی از بیابان، دره استخوان‌های مرده حزقیال را به زندگی فرا می‌خواند. آن صدا در ژوئیه ۲۰۲۳ به صدا درآمد.

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در آنان داخل شد و بر پاهای خود ایستادند؛ و ترس بزرگی بر کسانی که آنان را دیدند افتاد. و صدای بلندی از آسمان شنیدند که به آنان می‌گفت: به اینجا بالا بیاوید. و در میان ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان آنان را می‌نگریستند. مکاشفه ۱۱:۱، ۱۲.

خدا پسر خود را از مصر فرا می‌خواند و نیز موسی را از مصر فرا خواند، زیرا موسی به عنوان آلفا و عیسی به عنوان امگا، نمایانگر تجربه صد و چهل و چهار هزارند؛ آنان که سرود موسی و بره را می‌خوانند. آن سرود شامل دعوت به خروج از مصر است. در کتاب حزقیال دو مرحله بیان می‌شود که الگوی آن‌ها پیش‌تر در دو مرحله آفرینش آدم نشان داده شده بود: نخست بدن شکل می‌گیرد، سپس دم حیات در بدن دمیده می‌شود و آنگاه زنده می‌گردد. در مکاشفه باب یازدهم، نخستین مرحله ورود روح خدا در کشته‌شدگان است و سپس آنان بر پاهای خود ایستادند. هنگامی که می‌ایستند، آنان سپاه خدا هستند. آنچه در باب یازدهم حامل روح است، به وسیله نخستین نبوت حزقیال نمایانده می‌شود. صدا در بیابان همان پیام نبوی است که با روح‌القدس همراه است.

انجیل متی شامل دوازده فصلی است که نسبت به آن دوازده فصل سفر پیدایش که دو شاهد را فراهم می‌کنند، نقش «امگا» را دارند؛ دو شاهی که نماینده عهد با یک‌صد و چهل و چهار هزار نفرند. آن مردان و زنان در رابطه‌ای که الوهیت با انسانیت‌شان درآمیخته است، برای ابد مهر و موم می‌شوند. آنان به نشانه‌ای برای کارگران ساعت یازدهم بدل می‌شوند.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داوری ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحتِ جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه‌داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

نشانه یکصد و چهل و چهار هزار نفر، زمانی که در باب یازدهم مکاشفه به آسمان فراخوانده می‌شوند، این است که نخست از مصر فراخوانده می‌شوند؛ همان‌جایی که کشته شده بودند. صدایی از بیابان آنان را از مصر فرامی‌خواند تا برای کارگران ساعت یازدهم نشانه‌ای باشند. رستاخیز آنان در سال ۲۰۲۴ نیز، بسته به این‌که کدام تمثیل مورد نظر است، گاه به صورت ولادت و گاه به صورت بیداری بازنمایی می‌شود. از حیث ولادت، آنان کسانی‌اند که مثل ده باکره را تحقق می‌بخشند، و از این رو، ولادتشان باکره‌وار است، و آنان خود نشانه‌اند.

هفتمین نشانه راه مسیحایی سال ۲۰۲۴ است.

و همه اینها واقع شد تا آنچه از جانب خداوند به وسیله نبی گفته شده بود، تحقق یابد که می‌گوید: «اینک، باکره‌ای آبستن خواهد شد و پسری خواهد زایید، و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که معنی‌اش این است: خدا با ما.» متی ۱:۲۳، ۳۳.

پیش‌بینی

از این رو، خود خداوند به شما نشانه‌ای خواهد داد؛ اینک، باکره‌ای حامله خواهد شد و پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند. اشعیا ۷:۱۴.

در تاریخ موسی و مسیح نشانه‌هایی وجود داشت، همان‌گونه که در تاریخ میلریتی‌ها نیز وجود داشت. در روزهای آخر، ادونتیسیم لائودکیایی در پی نشانه‌ای خواهد بود، و تنها نشانه‌شان نشانه یونس است. برای کسانی که در سال ۲۰۲۴ از مردگان برخیزانده می‌شوند نیز نشانه‌ای هست. نشانه آنان «هفت بار» لاویان بیست‌وشش است.

و این برای تو نشانه‌ای خواهد بود: امسال رویدنی‌های خودرو را خواهید خورد، و در سال دوم آنچه از همان خواهد رویید؛ و در سال سوم بکارید و درو کنید و تاکستان‌ها بکارید و از میوه‌هایشان بخورید. و باقیمانندگان گریخته از خاندان یهودا، بار دیگر در ژرفا ریشه خواهند دوانید و به بالا میوه خواهند داد. زیرا از اورشلیم باقیمانگانی بیرون خواهند آمد، و نجات‌یافتگان از کوه صهیون؛ غیرت خداوند لشکرها این را خواهد کرد. دوم پادشاهان ۱۹:۲۹-۳۱.

و اگر بگویید: در سال هفتم چه خواهیم خورد؟ اینک نه کشت خواهیم کرد و نه حاصل خود را جمع خواهیم نمود. آنگاه در سال ششم فرمان برکت خود را بر شما خواهیم داد و آن برای سه سال میوه خواهد آورد. و در سال هشتم خواهید کاشت و هنوز از میوه کهنه تا سال نهم خواهید خورد؛ تا وقتی که میوه‌اش درآید، از ذخیره کهنه خواهید خورد. لاویان ۲۵:۲۰-۲۲.

کسانی که می‌گریزند، همچنین به‌عنوان مطرودان اسرائیل معرفی شده‌اند و به‌دست برادران‌شان که از ایشان نفرت داشتند، رانده شدند. برادران‌شان ایشان را بیرون راندند، زیرا از آنان نفرت داشتند، چون نمی‌توانستند حقیقت سبت را که «هفت بار» موسی آن را نشان می‌داد، رد کنند.

خداوند اورشلیم را بنا می‌کند؛ رانده‌شدگان اسرائیل را گرد هم می‌آورد. مزمو ۲: ۱۴۷.

خداوند در ژوئیه ۲۰۲۳ گردآوری باقی‌مانده را آغاز کرد، و باقی‌مانده همان «رانده‌شدگان» اسرائیل‌اند. در ژوئیه ۲۰۲۳، او دست خود را بار دیگر دراز کرد تا رانده‌شدگان خویش را گرد آورد. او در سال ۱۸۴۹ برای بار دوم دست خود را دراز کرد، پیشاپیش نور اُمگای «هفت بار موسی» در سال ۱۸۵۶. نور آلفا با نخستین کشف نبوی میلر، یعنی «هفت بار موسی»، نمایان شد.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسوی خواهد بود که به منزله علمی برای قوم‌ها برپا خواهد شد؛ امت‌ها در پی او خواهند بود و جایگاه آرامش او پرچمال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای بار دوم، دست خود را دراز کند تا بازمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند بازآورد: از آشور و از مصر و از پاتروس و از کوش و از عیلام و از شینعار و از حمات و از جزایر دریا. و او برای امت‌ها علمی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. اشعیا ۱۱: ۱-۱۳.

وقتی مطرودان به‌عنوان نشانه برافراشته شوند، آنگاه کارگران ساعت یازدهم را گرد خواهند آورد؛ کسانی که "تنها با دیدن" تفاوت میان آنان که مهر خدا را دارند و آنان که به روز استراحتی جعلی پایبندند" هشدار می‌پذیرند. نشانه برای کارگران ساعت یازدهم، همان مطرودان‌اند، و نشانه مطرودان، راز خوردن "امسال آنچه خودبه‌خود می‌روید، و در سال دوم آنچه از همان می‌روید؛ و در سال سوم بکارید و درو کنید و تاکستان‌ها بنشانید و از میوه‌های آن بخورید" است.

معمای این بخش در این است که بیانگر «هفت بار» در لایوان فصل‌های ۲۵ و ۲۶ است. سبت استراحت زمین، جزئی از عهد است که هم برکت و هم لعنت ناشی از نگاه‌داشتن یا رد کردن استراحت سال هفتم برای سرزمین موعود را مشخص می‌کند. نشان صد و چهل و چهار هزار، آن جزء از وعده سه‌گانه عهد است که با سبت سال هفتم زمین نمایانده می‌شود. حقیقت بنیادین «هفت بار»، یکی از سه عنصر عهد را مشخص می‌کند؛ عهدی که وعده دلی و ذهنی نو، بدنی نو، و نیز سرزمینی برای زیستن را می‌دهد.

سبت روز هفتم نشانه‌ای میان خدا و قوم اوست، اما همان سبت روز هفتم همچنین نمایانگر مسئولیت عهدی است که به اسرائیل باستان سپرده شد. آنان می‌بایست حافظان و امانت‌داران ده فرمان باشند. خواهر وایت به‌روشنی بیان می‌کند که اسرائیل معاصر در سال ۱۸۴۴، در همسویی با اسرائیل باستان، به امانت‌داری نه تنها ده فرمان، بلکه همچنین کلام نبوی خدا گماشته شد.

خدا در این روزگار کلیسای خود را، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، فراخوانده است تا چون نوری در جهان بایستد. به‌وسیله تیر نیرومند حقیقت، یعنی پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم، آنان را از کلیساهای جدا ساخته است تا ایشان را به نزدیکی مقدسی با خود بیاورد. او ایشان را امینان شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت برای این زمان را به آنان سپرده است. همان‌گونه که اقوال مقدس به اسرائیل باستان سپرده شده بود، این‌ها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند. سه فرشته مکاشفه ۱۴ نمایانگر مردمی هستند که نور پیام‌های خدا را می‌پذیرند و به‌عنوان کارگزاران او بیرون می‌روند تا هشدار را در سراسر طول و عرض زمین طنین‌انداز کنند. گواهی‌ها، جلد ۵، ۴۵۵.

ده فرمان به‌وسیله نشانه سبت روز هفتم نمایش داده می‌شوند و قوانین نبوت به‌وسیله سبت سال هفتم نمایش داده می‌شوند. ادونتیسزم روز هفتم لاودیکی هنگامی که از موضع خود عدول کنند و به پرستش خورشید بپردازند، سخت شرمسار خواهند شد، اما حکم سبتی که نخست رد کردند همان «هفت بار» موسی است.

برای به دست آوردن سرزمین موعود، قوم خدا باید نه تنها سبت روز هفتم، بلکه سبت هفت ساله را نیز بفهمند و پاس بدارند. ادونتیسیم لاودیکیه ای نمی تواند این حقیقت کتاب مقدسی را رد کند، هر چند آن را با دروغ‌ها می پوشانند. این ریشه نفرت آنان است که آنان را برمی انگیزد تا کسانی را که نشانه خواهند بود، طرد کنند.

بیشتر خویشتاوندان پدری ام کاملاً به ظهور ایمان داشتند، و به خاطر شهادت دادن به این آموزه پرجلال، از ما هفت نفر در مقطعی از کلیسای متدیست اخراج شدیم. در آن زمان، سخنان پیامبر برای ما بسیار گران بها بود: 'برادرانتان که از شما نفرت داشتند و به خاطر نام من شما را بیرون کردند، گفتند: "خداوند جلال یابد"; اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد و آنان شرمسار خواهند شد.' اشعیا ۶۶:۵.

از آن زمان تا دسامبر ۱۸۴۴، شادی‌ها، آزمایش‌ها و سرخوردگی‌هایم همانند آن دوستان ادونتیست عزیز پیرامونم بود. در همین زمان به دیدار یکی از خواهران ادونتیست مان رفتم، و صبح، گرد مذبج خانوادگی زانو زدیم. آن محفل هیجان انگیزی نبود و تنها پنج نفرمان حاضر بودیم؛ همگی زن. در حالی که دعا می کردم، قدرت خدا بر من نازل شد، چنان که هرگز پیش از آن احساس نکرده بودم. غرق رؤیایی از جلال خدا شدم و به نظر می رسید که از زمین پیوسته بالاتر و بالاتر می روم، و چیزی از سفرهای قوم ادونتیست به شهر مقدس به من نشان داده شد، چنان که در ادامه آمده است. نوشته‌های اولیه، ۱۳.

نخستین رؤیای الن وایت زمانی به او داده شد که پنج زن — نماینده پنج باکره دانا — پس از آن که به دست برادرانی که از آنان نفرت داشتند طرد شدند، گرد هم آمدند. آن برادران به خاطر عقیده بازگشت دوم از آنان نفرت داشتند و بدین سان نماد مطرودان ایام آخر شدند.

دیدم که کلیسای اسمی و ادونتیست‌های اسمی، مانند یهودا، برای به دست آوردن نفوذ کاتولیک‌ها جهت مخالفت با حقیقت، به ما خیانت کرده و ما را به کاتولیک‌ها تسلیم خواهند کرد. آنگاه قدیسان قومی گمنام خواهند بود و نزد کاتولیک‌ها چندان شناخته شده نخواهند بود؛ اما کلیساهای ادونتیست‌های اسمی که از ایمان و رسوم ما آگاه‌اند (زیرا به خاطر سبت از ما نفرت داشتند، چون نمی توانستند آن را رد کنند) به قدیسان خیانت کرده و آنان را به کاتولیک‌ها گزارش خواهند داد، به عنوان کسانی که سنن مردم را نادیده می گیرند؛ یعنی سبت را رعایت می کنند و یکشنبه را نادیده می گیرند.

آنگاه کاتولیک‌ها به پروتستان‌ها فرمان می دهند که پیش بروند و فرمانی صادر کنند که همه کسانی که روز نخست هفته را، به جای روز هفتم، نگاه نمی دارند، کشته شوند. و کاتولیک‌ها که شمارشان بسیار است، در کنار پروتستان‌ها خواهند ایستاد. کاتولیک‌ها قدرت خود را به تمثال وحش خواهند داد. و پروتستان‌ها همان‌گونه که مادرشان پیش از آنان عمل کرد، برای نابود کردن مقدسان عمل خواهند کرد. اما پیش از آن که فرمانشان ثمر آورد یا به بار بنشیند، مقدسان به صوت خدا رهایی خواهند یافت. اسپالدینگ و مگن، ۱، ۲.

ادونتیست‌های «اسمی» (یعنی صرفاً در نام)، مانند یهودا، ما را به کاتولیک‌ها تسلیم می کردند. آن‌ها چنین کردند، زیرا از طردشدگان «به خاطر سبت» «نفرت داشتند». ادونتیست‌های اسمی مدعی‌اند که سبت روز هفتم را رعایت می کنند، پس این نمی تواند همان سبتی باشد که به آن اشاره شده است. آنان از طردشدگان نفرت دارند، زیرا می دانند که نمی توانند حقیقت بنیادین «هفت بار موسی» را رد کنند؛ همان فهم آلفای ایلپا در شخص ویلیام میلر.

"خدا پیام تازه‌ای به ما نمی دهد. ما باید همان پیامی را اعلام کنیم که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ ما را از کلیساهای دیگر بیرون آورد." ریویو اند هرالد، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۵.

«تمام پیام‌هایی که در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شده‌اند، اکنون باید با قاطعیت مطرح شوند، زیرا افراد بسیاری جهت‌یابی خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها ابلاغ شوند.» Manuscript Releases، جلد ۲۱، ۴۳۷.

«حقایقی که در سال‌های ۱۸۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۴۴ دریافت کردیم، اکنون باید مورد مطالعه قرار گیرند و اعلام شوند.» انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۵، صفحه ۳۷۱.

«هشدار آمده است: نباید اجازه دهیم چیزی وارد شود که بنیاد ایمانی را که از زمانی که پیام در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ آمد، بنای خود را بر آن استوار ساخته‌ایم، متزلزل کند. من در این پیام بودم و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، وفادار به نوری که خدا به ما بخشیده است. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی که در همان روزهایی که روزبه‌روز با دعایی جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم، بر آن نهادیم، برداریم. آیا می‌پندارید که می‌توانم از نوری که خدا به من داده دست بکشم؟ این نور باید چون صخره اعصار باشد. از همان زمانی که عطا شد، مرا هدایت کرده است.» ریویو اند هرالد، ۱۴ آوریل ۱۹۰۳.

یهودا نماد سنهدرین، متشکل از صدوقیان و فریسیان نیست؛ یهودا یکی از دوازده شاگرد بود. او یکی از اعضای عروس عهد بود که مسیح قصد داشت در پنطیکاست با او ازدواج کند. خیانت علیه مطرودان از سوی یهوداست، یعنی کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای. آنان با نمادهای بسیاری نمایانده می‌شوند، مانند لاویانی که در ملاکی باب سوم از سوی فرستاده عهد رد می‌شوند. در آن پالایش، لاویان جدا می‌شوند و شمار ایشان ۲۵ است، خواه وفادار باشند خواه بی‌وفا. لاویان پیش از آنکه، چنان که در سالیان پیشین، به‌عنوان قربانی برافراشته شوند، پالایش می‌شوند.

و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ پسران لاوی را پاک خواهد کرد و آنان را همچون طلا و نقره پالایش خواهد داد، تا برای خداوند هدیه‌ای در پارسایی تقدیم کنند. آنگاه هدیه‌ی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان که در روزگار کهن و در سال‌های پیشین. ملاکی ۳:۳ و ۴.

لاویان قربانی‌اند، زیرا آنان شخصیت مسیح را که قربانی بزرگ است به‌طور کامل منعکس می‌کنند. وقتی آن بیست‌وپنج لاوی به‌عنوان قربانی برافراشته می‌شوند، آن بیست‌وپنج لاوی جعلی در حزقیال باب ۸ در برابر خورشید سجده می‌کنند.

یهودا نه‌تنها نماد یک لاوی شریر است، بلکه او همچنین کاهنی شریر است که به مدت سی سال آماده شده است، چنان که سی سکه نقره یهودا نشان می‌دهد.

آنگاه یهودا، که او را تسلیم کرده بود، چون دید محکوم شده است، پشیمان گشت و سی سکه نقره را نزد سرکاهنان و مشایخ بازآورد و گفت: «گناه کرده‌ام، زیرا خون بی‌گناه را تسلیم کرده‌ام.» ایشان گفتند: «آن به ما چه مربوط است؟ خودت می‌دانی.» پس او سکه‌های نقره را در هیکل انداخت و از آنجا بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد. متی ۳:۲۷-۵

آن سی قطعه نقره که یهودا بیرون افکند، نمایانگر فرستاده عهد است که در ملاکی باب سه، ناخالصی‌ها (نقره تقلبی) را بیرون می‌افکند (پاکسازی می‌کند). آن کهنوت شریر با شورش قورح، داتان و ابیرام و نیز شورشیان سال ۱۸۸۸ نمایانده شده بود. هنگامی که ایالات متحده، آن وحش برخاسته از زمین، دهان خود را می‌گشاید، آن کهنوت شریر بلعیده می‌شود. سپس، در هنگام ریزش کامل باران آخر که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود، آتش پیروان آنان را نابود می‌کند.

تولد از باکره به‌عنوان نشانه‌ای در روزگار مسیح، نمایانگر نشانه دوشیزگان دانا در ایام آخر است. در آن دوره، سنهدرین، یعنی کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه، در پی نشانه‌ای خواهد بود، اما قادر

خواهد بود تنها نشانه‌ای را که به لاودیکیه داده شده است، ببیند. نشانه برای جمعیت عظیم، کارگران ساعت یازدهم، این است که می‌بینند مردان و زنان در دوران آزمون قانون یکشنبه، سبت روز هفتم را نگاه می‌دارند. نشانه قوم باقی‌مانده در مجادله آنان با قوم عهد پیشین، سبت سال هفتم است که نمایانگر بنیادهای ادونتیسیم است، همان‌گونه که به‌عنوان ستون مرکزی هر دو لوح مقدس حبقوق شناسایی شده است. نشانه‌ای که به ادونتیسیم لاودیکایی داده شده، نشانه یونس است که در گفت‌وگوی میان مسیح و پطرس بدان پرداخته شده است.

هنگامی که عیسی به ناحیه قیصریه فیلیپی رسید، از شاگردان خود پرسید و گفت: «مردم می‌گویند من که پسر انسانم، کیستم؟» گفتند: «برخی می‌گویند تو یوحنا تعمیددهنده‌ای؛ برخی، الیاس؛ و برخی دیگر، ارمیا یا یکی از پیامبران.» به آنان گفت: «اما شما چه می‌گویید؟ من کیستم؟»

و شمعون پطرس پاسخ داد و گفت: تو مسیح، پسر خدای زنده هستی. و عیسی در پاسخ به او گفت: خوشا به حال تو، ای شمعون پسر یونا، زیرا این را جسم و خون بر تو آشکار کرده است، بلکه پدر من که در آسمان است آن را بر تو آشکار کرده است. و من نیز به تو می‌گویم که تو پطرس هستی و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد؛ و دروازه‌های دوزخ بر آن پیروز نخواهند شد. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ و هر آنچه را بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هر آنچه را بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد.

آنگاه به شاگردان خود دستور داد که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است. متی ۱۶:۱۳-۲۰.

نشانه سنهدرین، و در نتیجه ادونتیسیم، نشانه یونس است. شمعون بریونا در این فراز به‌عنوان نمادی از مرد عهد معرفی می‌شود، زیرا قرار است نامش تغییر کند. هنگام بستن عهد نام ابرام تغییر یافت. نام شاول به پولس تغییر کرد. نام یعقوب به اسرائیل تغییر یافت. این سه شاهد ثابت می‌کنند که هرگاه نام شخصی کتاب مقدسی تغییر می‌کند، او نماینده مرد عهد است و از این‌رو نمونه قوم عهد پایانی، که همان صد و چهل و چهار هزار نفرند، می‌باشد. همان سه شاهد همچنین نشان می‌دهند که نام یک مرد عهد نمایانگر نمادپردازی نبوی مربوط به شخصی است که نامش تغییر کرده است. «شاول» به معنای «برگزیده» است، زیرا او برای بردن انجیل نزد غیریهودیان برگزیده شد. نامش به «پولس» به معنای «کوچک» تغییر یافت، زیرا او در نظر خود کوچک‌ترین رسولان بود، چون به کلیسای خدا جفا رسانده بود. یعقوب غاصب، هم در نام و هم در تجربه، به «پیروز» دگرگون شد، چنان‌که «اسرائیل» همین معنا را دارد. نام پطرس «شمعون» بود، به معنای کسی که می‌شنود؛ و «بریونا»، به معنای پسر یونا.

پطرس نماینده آخرین نسل یونس است، زیرا او پسر یونس بود. «یونس» به معنای «کبوتر» است، و شمعون همان کسی است که پیام کبوتر را شنید؛ و شمعون برجونای پیام مسیح را شنیده بود، آن‌گاه که او تعمید گرفت و عیسی مسیح شد و روح‌القدس به صورت کبوتر فرود آمد. پیام یونس همان پیام کبوتر بود که نمایانگر مسیح با قدرت در تعمید او بود. پیام یونس با سه روز بودن یونس در شکم نهنگ نمایانده شد. آن سه روز، سه روز فصیح تا عید نوبت نخستین میوه‌ها هستند که نمونه آن را در تعمید مسیح و در زمان یونس در شکم نهنگ می‌بینیم.

نشانه یونس، نشانه مسیح در هنگام تعمید اوست که نماد فرود آمدن فرشته مکاشفه هجدهم در ۹/۱۱ است. ۹/۱۱ آغازگر یک فرایند آزمون سه‌مرحله‌ای بود، چنان‌که سه روز یونس آن را نشان می‌دهد. آن سه مرحله همچنین در تاریخ میلری‌ها نیز نشان داده شده‌اند. ۱۱ اوت ۱۸۴۰ روز آزمون فرشته نخست بود، ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ آزمون فرشته دوم و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آزمون سوم. آن سه مرحله نماینده ۹/۱۱، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ و قانون یکشنبه هستند.

در هنگام قانون یکشنبه، یونس از دهان ماهی بیرون افکنده می‌شود؛ همان‌جایی که مسیح لاودکیه را از دهان خود بیرون می‌افکند؛ و همان‌جایی که الاغ بلعام دهان می‌گشاید و سخن می‌گوید؛ و همان‌جایی که زکریا، پدر یحیی تعمیددهنده، سخن می‌گوید؛ و نیز همان‌جایی که ایالات متحده چون اژدها سخن می‌گوید. سپس یونس، به‌عنوان نماد کسانی که در سال ۲۰۲۴ با موسی و ایلیا رستاخیز یافتند، هشدار نهایی را به جهان می‌دهد. آن نفوس در خیابان‌های سدوم و مصر مردند و پس از آن چون لشکر نیرومند حزقیال زنده می‌شوند. در رستاخیزشان به نشانه یونس بدل می‌شوند، زیرا او نماینده کسانی است که مرده‌اند و برای رساندن پیام نهایی به نینوا رستاخیز می‌یابند. یونس در شکم نهنگ، دانیال در لانه شیران، و یوحنا در دیگ روغن جوشان، نمایانگر آن صد و چهل و چهار هزار نفرند که مرگ و رستاخیزی نمادین را تجربه کرده‌اند. مسیح ۱۱ سپتامبر تا رستاخیز لشکر نیرومند حزقیال، نمایانگر تعمید مسیح تا رستاخیز اوست.

فریسیان نیز با صدوقیان آمدند و برای آزمایش، از او خواستند تا برایشان آیتی از آسمان نشان دهد. او در پاسخ به ایشان گفت: هنگام شامگاه می‌گویید هوا صاف خواهد بود، زیرا آسمان سرخ است؛ و بامدادان می‌گویید امروز هوا بد خواهد بود، زیرا آسمان سرخ و گرفته است. ای ریاکاران، چهره آسمان را تشخیص می‌دهید، اما نشانه‌های زمانه را نمی‌توانید تشخیص دهید؟ نسلی شریر و زناکار در پی آیتی می‌گردد، لیکن جز آیت یونس نبی به آن آیتی داده نخواهد شد. و ایشان را ترک گفت و رفت. متی ۱۶: ۱-۴.

برترین معجزه، زنده شدن لعازر بود.

در به تعویق انداختن آمدنش نزد لعازر، مسیح مقصودی رحمت‌آمیز نسبت به کسانی داشت که او را نپذیرفته بودند. او درنگ کرد تا با زنده کردن لعازر از میان مردگان به قوم سرسخت و بی‌ایمان خود گواهی دیگری بدهد که او واقعاً «رستاخیز و حیات» است. او بی‌میل بود که همه امید نسبت به قوم، آن گوسفندان فقیر و سرگردان خانه اسرائیل، را رها کند. دلش به سبب توبه‌ناپذیری آنان می‌شکست. در رحمت خود قصد کرد به آنان یک گواهی دیگر بدهد که او احیاگر است، آن یگانه‌ای که می‌تواند حیات و جاودانگی را به نور آورد. این قرار بود گواهی‌ای باشد که کاهنان نتوانند آن را سوءتعبیر کنند. این علت تأخیر او در رفتن به بیت‌عنیا بود. این معجزه نهایی، زنده کردن لعازر، قرار بود مهر خدا را بر کار او و بر ادعای الوهیتش بزند. آرزوی اعصار، ۵۲۸، ۵۲۹.

مسیح پیش از آنکه لعازر را از مردگان زنده کند، درنگ کرد، و لعازر نه تنها «اوج معجزات» بود، بلکه «مهر» بر کار خدا نیز به‌شمار می‌آمد. در آن بخش، آیت یونس تنها آیت برای نسل زناکار و شریر است. مهم است که در بابیم زمان‌بندی فرایند مهر شدن بسیار دقیق است. در بخشی که مورد بحث ماست و در آن نام پطرس تغییر می‌کند، به ما می‌گوید که از آن زمان به بعد عیسی آغاز کرد آشکار ساختن این‌که باید کشته شود، با این‌حال متی در آیه پایانی می‌نویسد: "آنگاه او به شاگردان خود امر فرمود که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است." سپس بلافاصله در آیه بعد می‌نویسد: "از آن زمان عیسی آغاز کرد به شاگردان خود نشان دادن که باید به اورشلیم برود و از جانب مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان بسیار رنج ببیند و کشته شود و در روز سوم دوباره برخیزد."

این بخش با این آغاز می‌شود که عیسی می‌پرسد مردم فکر می‌کنند او کیست، و سپس با پرسش دیگری ادامه می‌یابد که در آن از شاگردان پرسید که آن‌ها فکر می‌کنند او کیست.

وقتی عیسی به نواحی قیصریه فیلیپی آمد، از شاگردان خود پرسید و گفت: مردم درباره من، پسر انسان، چه می‌گویند که من کیستم؟ و آنان گفتند: برخی می‌گویند تو یحیی تعمیددهنده‌ای؛ بعضی، ایلیا؛ و برخی دیگر، ارمیا یا یکی از پیامبران. او به ایشان گفت: اما شما چه می‌گویید؟ من که هستم؟ متی ۱۶: ۱۳-۱۵.

وقتی پطرس پاسخ می‌دهد، اعتراف می‌کند که عیسی، مسیح و پسر خدای زنده است. واژه «مسیح» برابر یونانی واژه عبری «مسیحا» است. عیسی این پرسش را طرح می‌کند که او کیست و شاگردان را به این حقیقت رهنمون می‌شود که او همان مسیح است، اما بی‌درنگ به آنان می‌گوید که نباید به کسی بگویند. از آن زمان، شروع کرد تعلیم دادن اینکه او بیست‌وسه نشانه راه را در سه فصل پایانی متی تحقق خواهد بخشید، اما ضروری بود که حقایق مربوط به مسیح به صورت گام‌به‌گام گشوده شوند.

ادامه این نشانه‌های مسیحایی را در مقاله بعدی خواهیم آورد.

نور آفای فرشته سوم

«در پاییز ۱۸۴۶ ما آغاز کردیم سبت کتاب مقدس را نگاه داریم و آن را تعلیم دهیم و از آن دفاع کنیم. نخستین بار توجه من به سبت جلب شد هنگامی که در اوایل همان سال به نیو بدفورد ماساچوست سفر کرده بودم. در آنجا با کشیش یوسف بیتس آشنا شدم که زود هنگام ایمان ظهور را پذیرفته بود و در آن امر خدمت‌گزاری فعال بود. کشیش ب. سبت را نگاه می‌داشت و بر اهمیت آن تأکید می‌کرد. من اهمیتش را احساس نمی‌کردم و می‌پنداشتم که کشیش ب. با پرداختن بیش از نه فرمان دیگر به حکم چهارم، به خطا می‌رود. اما خداوند به من منظره‌ای از قدس آسمانی نشان داد. هیکل خدا در آسمان گشوده شد و به من تابوت خدا که کرسی رحمت آن را می‌پوشاند، نشان داده شد. دو فرشته ایستاده بودند، یکی در هر سر تابوت، با بال‌هایی که بر کرسی رحمت گسترده بود و چهره‌هایشان به سوی آن بود. فرشته همراه من به من آگهی داد که این‌ها نماینده تمامی لشکریان آسمانی‌اند که با احترامی آمیخته با هیبت به سوی شریعت مقدسی می‌نگرند که به انگشت خدا نوشته شده بود. عیسی سرپوش تابوت را بالا زد و من لوح‌های سنگی را دیدم که ده فرمان بر آن‌ها نوشته شده بود. شگفت‌زده شدم، چون دیدم حکم چهارم درست در مرکز آن ده حکم قرار دارد و هاله‌ای نرم از نور آن را دربر گرفته بود. فرشته گفت: 'این تنها حکمی از میان آن ده است که خدای زنده را که آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست آفرید، تعریف می‌کند. وقتی بنیادهای زمین نهاده شد، بنیاد سبت نیز همان هنگام نهاده شد.' شهادت، جلد ۱، ص ۷۵.

نور امگای فرشته سوم

آنان که با خدا مشارکت دارند، در نور آفتاب عدالت گام برمی‌دارند. آنان با تباه کردن راه خویش در حضور خدا، رهاننده خود را بی‌حرمت نمی‌کنند. نور آسمانی بر آنان می‌تابد. هرچه به پایان تاریخ این زمین نزدیک‌تر می‌شوند، شناختشان از مسیح و از نبوت‌های مربوط به او به طرز چشمگیری افزون می‌گردد. آنان در نظر خدا ارزشی بی‌کران دارند، زیرا با پسر او در یگانگی‌اند. در نظر آنان کلام خدا از جمال و لطافتی برتر برخوردار است. اهمیت آن را می‌بینند. حقیقت بر آنان گشوده می‌شود. تعلیم تجسد در نظرشان با فروغی ملایم آراسته می‌شود. می‌بینند که کتاب مقدس کلیدی است که همه اسرار را می‌گشاید و همه دشواری‌ها را حل می‌کند. کسانی که نخواستند نور را بپذیرند و در نور گام بردارند، از درک راز دینداری ناتوان خواهند بود، اما آنان که در برداشتن صلیب و پیروی از عیسی درنگ نکرده‌اند، در نور خدا نور خواهند دید. نگهبان جنوبی، ۴ آوریل ۱۹۰۵